



وحید بنی سعد

اینک
روی پرچین باغ
به نظاره نشسته جغدی
و کبوتری که گریه اش
به اندوه اش سنجاق شده است

با تبر
درختِ عربان سزارین شد
و از درد
در باغِ بی برگی
شاخه های غم زایید



منصور چراغی

هر روز بریده ی بریده می آیم
و نمی دانند
چند کوه بریده کمرم
و با همین دست های درازتر از...
چند شتر
کینه برداشته ام
و شب ها
چقدر دست می کشم
از مهره هایی که تا نمی شوند
پاهایی که پا نمی شوند
و گره هایی که وا نمی شوند



رویا سامانی

از قبیله ی کدام اغوش وحشی
بر گشته ایی
که پرچین دیوار های پیر
با پژواک پاهایت
خواب صد ساله ی پربان را
رج به رج شکافت
اینجا هیچ چیز اتفاقی نیست
این باره های دونیم شده ی خیالت
هرگز رفت و روب نمی شود
انگار پینه هایی که بر دستانم
لانه کرده
جلد کبوتر بچه ای ست
که اهلی نفس هایم بود



حسین دلجو

می شود آیا شبی مهتاب شام من شوی؟
لحظه زیبای وصلت اختتام من شوی؟
می شود چون کفتری در تنگنای یک غروب
غفلتاً جلد هوای پشت بام من شوی؟
یا که گیسو را برافشانی به اوج شانه ها
پشت برق آبشار دل، به نام من شوی؟
منکه در خلوت سراپم جز تمنای تو نیست
می شود بنیان گزار ازدحام من شوی؟
تا غسل می بارد از اندیشه ی کنج لب
میشود ساقی بدست جام جام من شوی؟
ای غزال تیز پای قصه های ماندگار
می شود روزی بنام عشق رام من شوی؟
عاقبت فرهاد گونه تیشه بر سر میزنم
تا مگر شیرین من باشی، قیام من شوی
یکشبی تنگم بمیران پشت پیچ دستپاها
تا مگر پایان من باشی، تمام من شوی



زهرا باقری

غصه هایم همه با رنج فراوان رد شد
چتر از بوسه ی خیس و نم باران رد شد
فرصت ساختن خاطره از یاد رفت
قلب بی عاطفه از عشق چه آسان رد شد
هی زدم چنگ به پیراهن تاریکی شب
ماه بی تاب شد از خواب بیابان رد شد
تپش قلب مرا عقربه ها می فهمند
با تو هر لحظه ی عمرم چه شتابان رد شد
در دلم حسرت یک عمر نوازش مانده
زخم کاری شده از چشم حسودان رد شد
نذر من بودی و با آمدنت، خوب ترین
سایه ی بخت سیاهم چه هراسان رد شد



اشرف شکری پور

با شما احساس شادی می کنم
هر دقیقه از تو یادی می کنم
گرچه پیرم من ،
ولیکن با خودت
حس روح بامدادی می کنم



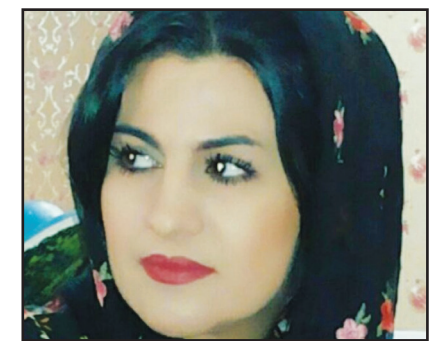
یاس سیلاوی

جا می مانی
میان من و سیگارهای دولا
آتش
زبان درازی می کند
جاماندم
در سفیدی چشمانت
زیستگاهی ست
وارونه می خوانی ام
هنوز اما
نبض خنده هایت
روی رگ شادی ام باد می کند
کمی با ساعت جدال دارم
پستی بلندی چهره ام
را زیر سوال می برد
از من می پرسی
انتظار چه رنگی است؟!
می خندم
می رقصم
بغض می کنم
باز پستیچی حرف های تو را می آورد



شهناز عبادی

شاه پربال من شکست از زخمه مرض دردی کی بی دواست
مرثیه شعر، غزل عشق تو آه بغض سوزین لبیک نی برخاست
نام تو طلسم هزار و یک شب در پرده خیال رقص کنان
از نرگس مست نگاه، سرو بالا زین دو سال، خاک سردی برجاست



مریم جلالوند

بی وفایی را اگر من از تو می آموختم
بی سبب در جان خود آتش نمی افروختم
آسمان دادی به من یا که قفس، هر چه که بود
خرمنی شد از تر و خشکی که در آن سوختم
در نبرد عقل با دل، بُرد از آن دل است
جامه ای از این سبب اندازه ی دل دوختم
دوست ما را در پی سوء تفاهم ها فروخت
گرچه تار موی او را به جهان نفروختم
کاش جای مهربانی های بیهوده به دوست
پیش دشمن توشه ای رندانه می اندوختم



نسرین محمدی

چشم هایت
نوازش گر روح عربانی ام
وقتی که بال های خیال تو
مرا به آسمان ها می برد

منتظر داستان و اشعار شما هستیم
لطفاً مطالب خود را با درج شماره تلفن به دفتر روزنامه یا آدرس الکترونیکی ذیل ارسال نمایید. ضمناً روزنامه در ویرایش مطالب ارسالی، آزاد است و مطالب ارسالی برگشت داده نمی شود.
toloudaily@gmail.com
کارشناس (این شماره) سرویس ادبی-هنری: محمود شیربازو